

علیه کالایی شدن خبر



کمیل تقی‌پور

سردبیر

بوی کاغذ ولدت ورق زدن از آن جمله لذت‌هایی است که همیشه طرفداران خاص خودش را داشته‌و دارد. برای همین‌است که در عصریکه‌تازی فضای مجازی و الکترونیکی شدن کتاب‌ها و رسانه‌های مکتوب، هستند افرادی که همچنان کتاب و روزنامه کاغذی می‌خرندومی‌خوانند.

اما واقعاً همان‌طور که بعضی‌ها می‌گویند، فضای مجازی جای روزنامه‌ها را گرفته‌است؟ کم شدن تیراژ روزنامه‌ها نسبت به ده، پانزده سال گذشته وبه تبع آن فروش کمتر روزنامه‌ها به معنای به‌شماره افتادن نفς روزنامه‌هاست؟ وبه بیان ساده‌تر آیا روزنامه‌ها اهمیت خود را از دست داده‌اند؟

بگذارید درباره شبهه میزان فروش و تیراژ از اینجا شروع کنم: رسانه مکتوب در دوران جدید شبکه‌های اجتماعی با چالش مواجه شده، این موضوع محدود به کشور ما هم نمی‌شود و رسانه‌های مکتوب برای عقب‌نماندن از فضای مجازی است که نسخه‌های آنلاین خود را در بستر اینترنت منتشر می‌کنند. اما آنچه روزنامه را زنده نگه داشته‌اتفاقاً همان نقطه تمایز روزنامه با فضای مجازی است. به بیان دیگر آن چیزی که در رقابت روزنامه و فضای مجازی به روزنامه‌ها آسیب زده، همان می‌تواند نقطه برتری روزنامه در مواجهه با فضای مجازی باشد و دنبای روزنامه و روزنامه‌نگاری را زنده نگه دارد.

مجازی‌های هیچ محدودیتی از جهت فضای انتشار وجود ندارد در انتخاب و گزینش اخبار دقت وسواس‌گونه‌ای می‌شود، اخبار به

پلی میان مردم و دولت



فرزانه قلعهدار

دبیر گروه حوادث

به رسم هرساله‌ما «ایرانیان» نخستین روزبهنم را که زادروز «ایران» است با گرامیداشت یاد وخاطره پیشکسوتانی که در تأسیس این روزنامه مردمی نقش داشتند در یک دوره‌می‌دوستانه جشن می‌گیریم.

نوشتن از روزنامه‌های که ۲۷ سال پیش نوید حضورش را با تیتربزرگ «به میان شما امدیم» به ایرانیان اعلام کرد و در این سال‌ها تمام تلاش خود را به کار بست تا به این شعار پایبند و همواره در میان مردم واز جنس آنها بماند که البته کار آسانی نیست.در این سال‌ها سعی کردیم با جلب اعتماد مردم و مسئولان راوی مشکلات وخواسته‌های جامعه و منتقل‌کننده گفتمان دولت

خوب شنیدن؛ درست گفتن



محمد رضا عزیززی

دبیر گروه ایران‌نویسن

برخورداران غیر بومی و غیر برخورداران بومی. مردی است ۵۵ ساله که در بازار چاپبهار دکه کوچک اجاره‌ای دارد. دکاه‌ی که با افزایش قیمت ارز، پایین آمدن قدرت خرید مردم، کرونا، کاهش مسافران و گردشگران به چاپبهار و… دو سال وبیشتر است که نمی‌چرخد. او، همسرش و چهار فرزندش مانند بسیاری از دکهداران اجاره‌ای بازار چاپبهار در تنگنای معیشت گرفتارند.

دشواری نوشتن از ایران



مرتضی‌کیپور

خبرنگار گروه سیاسی

نوشتن از ایران و در ایران، کار بسیار دشواری است.بخش اساسی این دشواری ناشی ازانبابت تاریخی است.بعثد از شکست عباس میرزا، ایران ناگهان به دنیای جدید پرتاب شد، دنیایی که نه آن را می‌شناخت و نه برای آن آماده بود. از آن روز تا امروز

تلاطم‌های ناشی از این تصادم با دنیای جدید پابرجاست. بخشی از این تصادم، در شکل تضاد و تنازع میان نیروهای اجتماعی و سیاسی داخلی بروز یافته وبخش دیگر نیز ناشی از بازی ونقش قدرتهای جهانی بوده‌است. ریشه ماجرا هرچه باشد، در اصل قضیه فرقی ندارد که کشتی بزرگی بهنام ایران، از آن روزگار تا امروز

ایران؛ مسئولیت و افتخار



مهدی ملکی

دبیر گروه ورزشی

دیگر هیچ‌سک با این نام بیگانه نیست. از سویی نوشتن از ایران برای من سخت است، چراکه باید درباره چیزی بنویسم که به آن دلبستگی وتعلق خاطر دارم و شاید نتوانم در جایگاه فردی منصف، از ایرادها و ضعف‌ها به‌شکلی منطقی یاد کنم. علاوه بر این، روزنامه همان وطن است؛ بدون هیچ پیشوندی پاسوندی. نامی که همه‌مان عاشقانه دوستش داریم.

■ **افتخار**

در تمام این سال‌ها (یک دهه گذشته)، حضور و فعالیت کنار افرادی که تعدادی از آنها جزو بزرگان عرصه رسانه‌ای

دلیل رقابت شدید خبری،از پرداختن به‌لایه‌های تحلیلی مسائل غفلت می‌کنند وصرفاً با نوع خاصی از دروازه‌بانی خبر، بهره‌گیری از ادبیات خاص متناسب با فضای مجازی وبه کارگیری تکنیک‌های توزیع خبر، در اهمیت بخشیدن به اخبار و جذب مخاطب تلاش می‌کنند. گسترش این سبک جدید خبری البته ذایقه مخاطب را تغییر می‌دهد و مخاطب به آنچه کانال‌ها و صفحات مجازی برای او می‌سازند خو می‌گیرد. شتاب‌زدگی، رقابت خبری و فرم فضای مجازی که محتوای خاص خود را می‌طلبد سبب شده که فضای مجازی نتواند تماماً از امر واقع یا واقعیت جامعه‌ نمایندگی کند.

به بیان دیگر فضای مجازی به مسائل یا موضوعاتی اولویت می‌دهد که عموماً جزو مسائل اصلی جامعه نیست یا بخشی از واقعیت (نه همه واقعیت یک موضوع) را نمایندگی می‌کند، خبرها ساندویچی تهیه می‌شود وبهره کمی از تحلیل یا غنا دارد ومخاطب را به دنیای جدیدی وارد می‌کند که شاید مابه‌ازایی درواقعیت نداشته باشد. همانند همان دنیایی که شبکه‌های تبلیغی از تبلیغات یک کالا می‌سازند. همین امر موجب شده که ادراک‌سازی از یک امر غیرواقع به‌عنوان «واقعیت» در فضای مجازی بسیار ساده‌تر از دیگر عرصه‌ها باشد و مالک واقعی بودن یا اهمیت داشتن یک مطلب لایک‌هایی باشد که پای یک پست زده می‌شود.

اما در روزنامه شرایط متفاوت است. در روزنامه دروازه‌بانی خبر جنس دیگری دارد، به دلیل محدودیت درانتشار اخبار به علت محدودیت درتعداد صفحات (در نظر بگیرید که در شبکه‌های مجازی هیچ محدودیتی از جهت فضای انتشار وجود ندارد در انتخاب و گزینش اخبار دقت وسواس‌گونه‌ای می‌شود، اخبار به

دلیل آن که ساعت‌ها قبل در فضای مجازی با خبرگزاری‌ها منتشر شده‌است، نیاز به ارزش افزوده دارد، روزنامه‌نگار باید وارد لایه‌های تحلیلی یک خبر بشود. تحلیل، تعمیق وتمرکز در یک خبر، به روزنامه‌نگار قدرت طرح پرسش‌های اساسی می‌دهد وپرسش‌های اساسی، پاسخ‌های اساسی می‌طلبد که اگر آن پرسش‌ها پاسخ درخور نیابد، تبدیل به یک مسأله اصلی می‌شود.

وقتی یک خبر تبدیل به مسأله اصلی شد، رسانه‌های دیگر وارد گود می‌شود وکانال‌ها و… در فضای مجازی هم جزواین دست از رسانه‌هایی هستند که خواسته یا ناخواسته، وارد چرخه بازتاب مسأله اصلی می‌شوند. فضای مجازی هر چقدر به لطف روزنامه‌ها، منعکس‌کننده مسائل اصلی بشود از جایگاه انعکاس کاریکاتورى واقعیت فاصله می‌گیرد. به بیان دیگر روزنامه تنظیم‌کننده و هدایت‌کننده فضای مجازی هستند و آن‌گونه جریان اصیل خبرو تحلیل را با تمام مشقتی که دارد زنده نگه می‌دارند.

البته در این بین برخی روزنامه‌ها بالعکس اقدام می‌کنند و به جای آنکه نسبت به سایر حوزه‌ها بویژه فضای مجازی پیشرو باشند، پیرو هستند، واین روزنامه‌ها خواسته یا ناخواسته وارد چرخه کاریکاتورسازی اواقعیت می‌شوند.

روزنامه ایران طی ۲۷ سال گذشته چه آن زمان که فضای مجازی به قوت این روزها نبود، یا اصلاً نبود، چه این روزها که فضای مجازی بی‌رقیب بی‌نمایند همواره سعی کرده رسانه اصلی، پیشرو وجریان‌ساز باشد، البته در کوتاه‌برهه‌هایی طی این ۲۷ سال دچار نوسان شده‌ اما سریعاً به مسیر خود بازگشته واصلاد رسالت خود را حفظ کرده‌است. ۲۸ ساله شدن چنین رسانه‌ای تبریک دارد!

پیش‌فکران و دست‌اندرکاران

سخت‌ترین شرایط وگفت‌وگو با کسانی که در دل حادثه هستند و اغلب نه تنها کوچکترین همکاری با خبرنگار نمی‌کنند بلکه گاه با رفتارهای توهمین آمیز و خشن و با الفاظ نامناسب خبرنگار را از خود رانده حتی مانع حضورش برای کسب خبر می‌شوند هم دست وبتنجه نرم‌کنند تا بتوانند برای رسانه خود خبر تهیه کنند و دست خالی به محل کارشان برنگردند.به جرات می‌توان گفت کار در گروه حوادث روزنامه ایران که از همان نخستین روزهای تولد روزنامه به‌عنوان پررنگ‌ترین وبمخاطب‌ترین صفحه روزنامه اولین مطرح بود و این‌حس شهرت را نیز مدیون بزرگانی همچون محمد بلوری «پدر حادثه‌نویسی» ایران است بسیار سخت وحساس بوده وبرای تبریک وتقدير از همکارانم در روزنامه وبویژه خبرنگاران پر تلاش گروه حوادث چه مناسبتی بهتر از سالروز تولد روزنامه ایران.

توزیع اخبار در فضای مجازی

کردن است. رسانه دولت مردمی بودن هم مسئولیت بزرگی است. رسانه‌ای که باید این سوی تریبون دولت بیاید، در جمع مستمعان ومخاطبان، شنوای حرف آنها باشد. باید قبل از خوب گفتن خوب بشنود تا درست بگوید. درست گفتن با خوب گفتن فرق دارد. با ارائه بزرگ‌تیتر و عکس ممکن است بتوانیم

خوب سخن بگوییم اما اگر خوب نشنیده باشیم، ممکن است درست هم سخن نگفته باشیم. رسانه دولت مردمی بیش از هر چیز باید خوب بشنود تا درست سخن بگوید. این چیزی است که در این رسانه مسئولیت وظیفه خود می‌دانم و می‌دانیم. توهین به اعتماد مخاطبان بزرگ‌ترین جفای یک رسانه به مخاطب است. برای حفظ وحراست از این اعتماد باید خوب بشنوم وببینم تا درست سخن بگویم. دولت مردمی بیش از هرچیز به درست سخن گفتن رسانه خود نیاز دارد.

دولت مردمی؛ نوشتن از ایران

حرفش چیست؟ شما روزنامه دولت هستید، وزیران و رئیس جمهور روزنامه‌تان را می‌خوانند. بنویسید فکری به حال ما نکنند. کاری کنند که ارزانی بیاید؛ من صدقه و کمک نمی‌خواهم، وام هم نمی‌خواهم. از پول قرضی که نتوانم پرداختش کنم می‌ترسم اما دولت کاری کند که وضع همه خوب باشد. جنس‌ها ارزان شوند. پای مردم به این گوشه ایران کشیده شود. به بازار ما بیایند. هم آنها خوشحال می‌شوند هم ما…

«دولت مردمی» بودن شعار و آرمان بزرگی است. شعاری که اگر بابی عملی آوده شود، توهین بزرگی به همه کسانی است که دل به شعار این دولت بسته‌اند از جمله همین مرد میانسال چاپبھاری. او دنبال یارانه و کمک بلاعوض از دولت نیست. آنچه می‌خواهد بهبود شرایط برای کسب روزی حلال وبرای کار

تولد روزنامه‌نگاری

کشور محسوب می‌شوند، برای من فرصتی بزرگ و ارزشمند بوده وهست. بدون اغراق چیزی شبیه کلاس درس. از سویی نوشتن روی صندلی‌ای که سال‌ها پیش استاد پرویز زاهدی روی آن می‌نشست و بر عهده داشتن وظایف ومسئولیت، افتخاری است که تصبیم شده ودر تمام این سال‌ها با تمام توانم سعی کرده‌ام امتاندار خوبی برای زنده‌یاد زاهدی باشم. ■ **مسئولیت** اگر از واژه‌های تکراری وحملات کلیشه‌ای عبور کنیم، به‌واقع خبرنگاری مسئولیتی سنگین است و فردی پیشرو خواهد بود که هیچ‌وقت فراموش نکند چه رسالتی دارد وباید درست و دقیق از پس چه شرایطی برآید. در این میان طبیعی است که حضور در یکی از مهم‌ترین رسانه‌های جریان اصلی کشور، باری سنگین‌تر و مسئولیتی بزرگ‌تر به همراه می‌آورد. ■ **پیشرفت** همه ما در هر صنف و شغلی که هستیم، تلاش می‌کنیم به‌به‌طور پیشرفت کنیم و این جزو بديهيات است. البته اینجا

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



امیر یوسفی

عضو شورای

سردبیری

روزنامه‌خوانی، غیر از یک رفتار فرهنگی، نوعی از مناسک برای انسان مدرن هم به شمار می‌آید؛ کنشی شبه‌مقدس که عمل خواندن را به یک آیین مستمر روزانه و جمعی مبدل می‌کند. روزنامه‌خوان‌ها پیروان یک کیش‌اند و مثل همه تابعان یک شریعت، هم‌زمان عملی واحد انجام می‌دهند و شعائر یکسان و مشترک به‌جای می‌آورند. شاید به همین اعتبار بوده که هگل، فیلسوف بزرگ آلمانی دو قرن پیش گفته‌است روزنامه، انجیل انسان مدرن و مناجاتنامه

چند لحظه مکت در ورودی تحریریه هر تیتربقیه‌های دارد

ترانه‌بنی‌عقوب

گزارش نویس

هر کسی که وارد تحریریه روزنامه ایران شود، حتماً چند لحظه می‌ایستد و تیتراًهای تأثیرگذار قاب شده روی دیوار را می‌خواند. «به میان شما امدیم!» این تیترا اولین شماره ایران است، تیتری که انتظارات مردم از روزنامه ایران را می‌خواهد. اینجا تیتراًهای صفحه یک به صف شده‌اند، از

تیتراًهای خبری گرفته تا تیتراًهایی که حال واحوال همان زمان را نشان می‌دهد. منظوم از حال و هوا آن چیزی است که جامعه آن روز متأثر از آن بوده. مثل روزی که همه دست به دعا در انتظار بهبود لاله ولادن بودند. یادان‌ها می‌آید آن دوقلوی افسانه‌ای جدایی‌ناپذیر را؟ این اتفاق با تیترا «پایان تلخ یک آرزو» در روزنامه ایران نشست.

«روز التهاب واتحاد» فکر می‌کنید این تیتراژ چه روزی حرف می‌زند؟ روزی که دعایش به مجلس حمله کرد و این

گپ و گفتی با محمد بلوری نخستین دبیر حوادث روزنامه ایران

چگونه به حوادث سفید پرداختیم

یوسف حیدری

گزارش نویس

روزنامه که متولد می‌شود زمان زیادی طول می‌کشد تا شناخته شود وجای خودش را در بین مردم باز کند. اما روزنامه ایران از همان روزهای اول بویژه با صفحه جذاب حوادث به سرعت مورد توجه قرار گرفت. دهه‌های ۷۰ و ۸۰ یعنی سال‌هایی که خبری از فضای مجازی نبود، صفحه حوادث روزنامه ایران خواننده‌ترین صفحه روزنامه در بین روزنامه‌های کشور بود. محمد بلوری اولین دبیر گروه حوادث روزنامه ایران که در مطبوعات ایران به پدر حادثه‌نویسی شهرت دارد از ابتکار جالب آن روزها برای انتشار اخبار «حوادث سفید» و جریان‌سازی در این زمینه می‌گوید. بلوری متولد ۱۳۱۵ هنوز هم با اشتیاق، مطبوعات کشور و اخبار حوادث را دنبال می‌کند: «پیگیری صفحه حوادث روزنامه ایران به حدی بود که مسئولان کشور هم در جلسات مختلف به آن اشاره می‌کردند و خواستار

به پاس دلسوزی‌های بی‌دریغ نیروهای خدماتی و پشتیبانی

پیش از همه ما را می‌خوانند

یکی از طرف او جایزه را گرفت. محبتی تکلو چند سالی می‌شود که در تحریریه کار می‌کند؛ کاره بیندار وغم‌خوار خبرنگاران. آمار نیروهای تحریریه را هم دارد و اگر کسی بخواهد بچه‌ها را به بستنی یا شیرینی میهمان کند باید از او آمار بگیرد. محمد به‌خوبی هم از نیروهای خدماتی طبقه پنجم واز قدیمی‌های روزنامه است. هر روز مطالب روزنامه را می‌خواند و درباره تک‌تک گزارش‌ها نظر می‌دهد. روزهای اول انتشار روزنامه، سرباز بود و مأمور به‌خدمت‌شده بود اما اخلاق خویش باعث شد نگذارند برود. محمد محمدیان خوش‌زبان وبمب انرژی است. هر روز صبح با یک بغل نان وارد روزنامه می‌شود وبساط صبحانه و املت را برپا می‌کند. همه او را عمو صدا می‌زنند واز طعم خوب جایی‌اش تعریف می‌کنند.

رسول اصغری نیروی خدماتی ایران‌ورزشی و الوفاق

یادی از رفتگان روزنامه «ایران»

آنها شبیه زندگی بودند

مریم طالبش

گزارش نویس

روزی از همین در وارد می‌شدند، داخل آسانسور می‌آمدند، با بقیه خوش وبش می‌کردند، سر همین میزها می‌نشستد وحالا سنگین‌تر، پیشرفت داشته‌ام! همکاری من با مؤسسه مطبوعاتی ایران از یک دهه پیش شکل گرفت وبه‌عنوان دبیر ورزشی سایت مشغول فعالیبت شدم. ۲ سال پس از آن دبیر صفحه ورزشی روزنامه ایران شدم وحالا هم که کمتر از یک‌ماه است تک صفحه ورزشی به ۴ صفحه افزایش یافته وشده‌ایم شبه روزنامه ورزشی (روزنامه‌های ورزشی ۸ صفحه هستند). تا

روزی که این مسئولیت را داشته باشم، سعی می‌کنم به همراه همکاران پرتلاش و کاربلدم، هر روز خروجی بهتر و قوی‌تری نسبت به روز قبل ارائه‌دهم وایرادات را در حد توان کاهش دهیم. در پایان لازم است یادآوری کنم که روزنامه‌نگاری ورزشی بخش اساسی یک رسانه خبری محسوب می‌شود؛ حتی اگر تمرکز آن رسانه بر پایه ورزش نباشد.

داستان روزنامه ۲۷ سال بد

صبحگاهی اوست. انگار بشر متجدد هر صبح با اجرای مناسک روزنامه‌خوانی و ادای این آیین، ایمان خود را تازه می‌کند ودر نیایش جمعی مؤمنان این معبد نوپنیداد، شراکت می‌جوید. با این تحلیل، هر روزنامه که در تحکیم این شریعت تازه چلاک‌تر باشد و خواندگانیش را در این مناجات‌خوانی چابک‌تر و خالص‌تر کند انگار انجیلش معتبرتر و موجه‌تر است.

«ایران» که امروز رخت کهنه را از تن می‌کند و خلعت ۲۷ سالگی روی دوش می‌اندازد، بی‌هیچ عُجب واغراقی یک باب از ابواب از همان مناجاتنامه صبحگاهی است. کم نیستند زائران و مؤمنانی که نیایش روزانه مدرن خود را از روی این انجیل موجه قرائت می‌کنند. «ایران» لابد اکنون

روزنامه‌های ایران

تیترا با یک نفس‌سنگیر، صفحه اول روزنامه ایران شد. اما بد نیست بدانید پشت هرکدام از این تیترا داستانی نهفته

است؛ چند روزنامه‌نگار دور هم می‌نشینند و گاه ساعت‌ها درباره تیترا روز فکر می‌کنند. بهتر است بگویم هم‌فکری می‌کنند و هرکس با توجه به خبرهای روز تیترا پیشنهاد می‌دهد. تیترا به اصطلاح چکش کاری وبخته می‌شود ودر نهایت می‌شود قصه آن روز.

یکی از اعضای شورای سردبیری درباره داستان این تیترا می‌گوید: «یادم می‌آید در فضای سیاسی بعد از دوم خرداد و حوادث کوی دانشگاه، روزنامه فضای ملت‌پهیی داشت وبطبعاً مخاطبان روزنامه هم علاقه مند به تیتراًهای سیاسی بودند. در همان فضا لاله ولادن، دوقلوهای به هم چسبیده تصمیم گرفتند با عمل جراحی از هم جدا شوند که در آن فضای سیاست‌زده موجب می‌شد تا این صداها کمتر به گوش برسد. مردم سیاست‌گرا

گپ و گفتی با محمد بلوری نخستین دبیر حوادث روزنامه ایران

گپ و گفتی با محمد بلوری نخستین دبیر حوادث روزنامه ایران

چگونه به حوادث سفید پرداختیم

کنکاش بیشتر می‌شدند.» اخبار حوادثی صرفاً خبرهای سیاه و قتل وجنایت نیست. بر این اساس سال‌های اول انتشار روزنامه با جریان‌سازی در زمینه حوادث سفید سعی می‌کردیم به رفع معضلات اجتماعی کمک کنیم. به‌عنوان مثال وقتی برای اولین بار نوشتیم اعتیاد بیماری است وباید به درمان معتادان کمک کنیم، واقعاً فضا عوض شد. هر روز در این زمینه مطلب می‌نوشتیم وباقضات مختلف کشور صحبت می‌کردیم. همه آنها موافق بودند باید برای درمان معتادان کاری کنیم وبه آنها فرصت دوباره‌ای بدهیم. ۲۰ روز این گزارش را ادامه دادیم تا اینکه ماده قانونی در این ارتباط تصویب شد. بعد از آن موضوع اهدای عضو وبیوند اعضا را پیگیری کردیم. آن روزها دکتر ماندگار پزشک مشهور جراح قلب به ما گفت بیماران زیادی برای ادامه زندگی نیاز به قلب دارند ولی خانواده بیماران که مراکز مغزی می‌شوند حاضر نیستند اعضای بدن عزیزشان را اهدا کنند. گزارش اهدای عضو را با مادری شروع کردیم که

پیش از همه ما را می‌خوانند

یکی از طرف او جایزه را گرفت. محبتی تکلو چند سالی می‌شود که در تحریریه کار می‌کند؛ کاره بیندار وغم‌خوار خبرنگاران. آمار نیروهای تحریریه را هم دارد و اگر کسی بخواهد بچه‌ها را به بستنی یا شیرینی میهمان کند باید از او آمار بگیرد. محمد به‌خوبی هم از نیروهای خدماتی طبقه پنجم واز قدیمی‌های روزنامه است. هر روز مطالب روزنامه را می‌خواند و درباره تک‌تک گزارش‌ها نظر می‌دهد. روزهای اول انتشار روزنامه، سرباز بود و مأمور به‌خدمت‌شده بود اما اخلاق خویش باعث شد نگذارند برود. محمد محمدیان خوش‌زبان وبمب انرژی است. هر روز صبح با یک بغل نان وارد روزنامه می‌شود وبساط صبحانه و املت را برپا می‌کند. همه او را عمو صدا می‌زنند واز طعم خوب جایی‌اش تعریف می‌کنند.

رسول اصغری نیروی خدماتی ایران‌ورزشی و الوفاق